

ماجرای عشق و عاشقی میدون

آموزش کاندیداشدن به زبان ساده



● **پوریا عالمی**

● مواد لازم:
رو: یک وجب
آستر (دولا): یک تفرار
لبخند مصنوعی: یک عدد
عشق: یک کیلو و ۷۰۰ گرم
شعار میهن‌پرستانه: یک مترونینم
استفاده از رانت: به میزان کافی
سابقه مدیریتی: دست‌کم تبدیل چند سازمان یا کارخانه به مخروبه
وضعیت تحصیل: زیر لیسانس یا تحت لیسانس یک فوق‌دکتر!
نامه‌نگاری به مقامات خارجی (بدون پاسخ): صتا
نامه‌نگاری به مقامات داخلی که قبلا از رویشان رد شدیم: یک دانه
درخت‌کاری: یه دونه ستایی
بذریاشی: یکی به‌تنهایی
تپه شخم‌زده: حداقل یکی
نحوه پخت
همه اینها را بریزید توی هم و توی اینستاگرام اعلام کاندیداتوری کنید.

تکته

از کلاهبرداری یقه‌سفیدها تا ...



● **نعمت احمدی**

● امروز گروه‌های کلاهبردار و سارق به سمت‌وسوی استفاده از تجهیزات مدرن رفته‌اند به‌طوری‌که دیگر به این نوع کلاهبرداری‌ها، کلاهبرداری یقه‌سفیدها یا سرقت مدرن می‌گویند. خامنی با لپ‌تاپ و تجهیزات به‌ظاهر اداری به منزل فردی مراجعه می‌کند و با ظاهری موجه او را قانع می‌کند که برای سرشماری، نظرسنجی، کمک به مؤسسات حمایتی و... آمده است. در باز می‌شود و تا ساکنِ منزل بخواهد به خود بچسبد، داروندارش را ربوده‌اند.

گسترش این نوع سرقت‌ها را باید در وضعیت جامعه‌مان ارزبایی کنیم. ما در جامعه‌ای هستیم که بین سنت و مدرنیسم گیر کرده؛ سنتی که پدران ما را مجاب می‌کند داش آکل‌وار با تار سیبیلی به هم متعهد شوند و مدرنیسمی که فست‌فود را در محل تحویل می‌دهد، مأموران سرشماری و آب و گاز را روانه در خانه‌ها می‌کند و به‌نوعی مرز بین اعتماد و بی‌اعتمادی در حال ازبین‌رفتن است. دراین‌میان این قانون است که باید یا به میدان بگذار و از شهروندان چنین جامعه‌ای در برابر کلاهبرداری‌های مدّرن حمایت کند. تغییر رویکرد مجرمان به استفاده از ابزارهای مدرن برای رسیدن به نیت شوم‌شان، موارد و مصداق فراوانی دارد که شاید جای آن در این مجال اندک نباشد، اما سؤال این است که قانون در چنین شرایطی چطور می‌تواند از شهروندان حمایت کند؟! آیا باید چنین کلاهبرداری‌هایی را یک سرقت عادی دانست یا سرقت محرز (یعنی سرقتی که مشمول حد می‌شود)؟ آیا باید ورود به عنف را جزء موارد محکومیت دانست یا نه؟ آیا به طور کلی چنین شیوه‌های دزدی را می‌توان کلاهبرداری (یعنی به‌کاربردن متقلبانه در جهت ربودن مال دیگران) دانست؟ جعل عنوان است یا سرقت؟ امروز موضوعات جدیدی به وجود آمده‌اند که قوانین سنتی و عمومی ما را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. به عبارت دیگر الان در زمانه‌ای هستیم که موضوعات مستحسبه به سرعت متوع می‌شوند و ما در باب قانون‌گذاری مانده‌ایم، اما نباید از یاد برد جامعه ما همان‌طور که در حال گذار از سنت به مدرنیسم است، مشکل اقتصادی شدیدی نیز دارد به‌طوری‌که امروز با وجود انباشت پول در جامعه، چرخه تولید و کسب‌وکار در رکود به سر می‌برد و همه به دنبال این هستند که پس‌اندازی فراهم کنند و با سود بانکی‌اش، خوش بگذرانند. آیا کسانی که به‌حق دلوایس وچوه فرهنگی و دینی زندگی مردم هستند، می‌توانند بگویند چطور یادشان رفت صندوق میزان و پدیده شاندیز که خسارت‌های اقتصادی و پولی شدیدی به مردم وارد کرد، زیر‌گوش‌شان شکل گرفت؟

آیا نمی‌توان حرکت به سوی چنین کلاهبرداری‌های مدرن را نوعی چرخش فرهنگی در زندگی مردمی دید که دنبال گذران زندگی خود در شرایط اقتصادی امروز هستند؟

راستی از میان کارمندان غیررسمی کسی تابه‌حال حساب کرده که بابت هر ساعت کارش چقدر دستمزد می‌گیرد و این رقم آیا بیشتر از ۳۰ هزار تومان است؟

شترتروزنامه

سه‌شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۵ ● ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸ ● ۱۴مارس ۲۰۱۷ ● سال چهاردهم ● شماره ۲۸۲۶ ● ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ ● اذان مغرب ۱۸:۲۹ ● اذان صبح فردا ۵:۴۲ ● طلوع آفتاب ۶:۱۵

روزنامه‌فردا

کارتون خواب



● **علی رومانی**

aliromani84@gmail.com

کوچ فروشندگان ترقه و نارنجک چهارشنبه سوری به فضای مجازی



زیر آسمان شهر

کودک کشی در استیج



● **گیسو فغفوری**

علی جنتی، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعلام کرده بود: «استفاده افراد از ماهواره به‌کل غیرقانونی است؛ اما اکثریت مردم از آن استفاده می‌کنند. درواقع حداقل ۷۰ درصد مردم خلاف قانون رفتار می‌کنند». بعد نتیجه‌گیری کرده بود قانون ممنوعیت ماهواره باید اصلاح شود. می‌دانیم دیر‌ب‌ا زود این اتفاق خواهد افتاد، همان‌طور که برای ویدئو، شطرنج و... رخ داد. اما این سؤال مطرح است: فعلا باید با این پدیده غیرمجاز چگونه روبه‌رو شویم؟ دولتمردان راه آسان پاک‌کردن صورت‌مسئله را انتخاب کرده‌اند و از رویارویی با مصائب و آسیب‌هایی که با تماشای ماهواره رخ می‌دهد، سلب مسئولیت کرده‌اند. ارسال پارازیت‌ها هم که سبب‌ساز اتفاقات ناگواری شد، اما فاجعه این روزها در برنامه استیج و فراتر از آن مشهود است. یک مرور کوتاه نشان می‌دهد تعداد زیادی از دایسمش‌هایی!!! که برای این برنامه‌ها ارسال می‌شود، متعلق به کودکان است. این حجم حضور کودکان در این موقعیت‌ها شگفت‌آور است. اینکه کودکان اکثرا زیر ۱۰ سال در حالت‌های خوابیده یا با حوله حمام در حال لب‌زدن ترانه هستند و... اذیت‌کننده است. اینکه تعدادی دختر کوچک - هشت تا ۱۰ سال- با آرایش، در حال ابراز عشق به داوران برنامه هستند، احساسات بیننده را جریحه‌دار می‌کند. در سراسر جهان برنامه‌هایی برای استعدادیابی کودکان

اتفاق

شرق: نرگس آبیار، بهترین کارگردان جشنواره فیلم زنان «ونکوور» شد. فیلم سینمایی «نفس» در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم زنان ونکوور روی پرده رفت و نرگس آبیار توانست عنوان بهترین کارگردان این دوره از جشنواره زنان ونکوور را از آن خود کند. در جشنواره فیلم زنان ونکوور ۲۶ فیلم کوتاه و بلند ساخته زنان سینماگر از سراسر جهان روی پرده رفت. این جشنواره هرساله از سوی سازمان زنان در سینما وتلوویزیون کانادا برگزار می‌شود. محمد اطیابی، پخش بین‌المللی فیلم نفس را برعهده دارد. همچنین فیلم کوتاه «مرا رها نکن» به کارگردانی سهیلا گلستانی و تهیه‌کنندگی بابک



● **فاطمه ذوالقدر**

نماینده تهران

امسال در شرایطی به پیشواز چهارشنبه آخر سال می‌رویم که دغدغه‌هایی مردمی و ملی برای کاهش حوادث این روز خاص به وجود آمده و خود را در دل کمپین‌ها و فعالیت‌های مردمی، نشان می‌دهد. من نیز یکی از کسانی بودم که روز پس از حادثه پلاسکو در محل حاضر شدم و از نزدیک خسارتی را که این آتش‌سوزی عمار و فاجعه‌بار به راه انداخت، با چشم خود دیدم. در دسته‌بندی خسارت چنین حوادثی، واضح است بخش عمده‌ای از این خسارت‌ها می‌تواند خسارت‌های روحی و روانی بر جامعه باشد. طبعاً بعد از روزهای تلخ پلاسکو، نگاه‌های مضطرب مردم به سمت چهارشنبه‌سوری رفت و این سؤال مطرح شد که آیا قرار است امسال نیز شاهد آسیب‌های مالی،

روایت

نه به هالووین!

● **رؤیا صدر**

از یک جوان غربی سؤال کنید این جشن هالووین که شما از هفته آخر اکتبر به استقبالش می‌روید دقیقاً ریشه‌اش چیست. اکثرا حاج‌وواج نگاهت می‌کنند و می‌روند تا زودتر به کار و زندگی‌شان برسند... این ادعا را من دو سال پیش در شب جشن هالووین در میدان سول مادرید امتحان کردم؛ فستیوالی بود از نور، رنگ، موسیقی، رقص، خنده، آتش‌بازی و لباس‌ها و صورت‌های عجیب و صد البته کدوهای فانوس‌نشان... از هرکس هم می‌پرسیدم هالووین ریشه‌اش چیست و چرا جشن گرفته‌اید، نه‌چندان می‌دانست و نه‌چندان برایش مهم بود که بداند! خب من بعدها فهمیدم هالووین در اعتقادات خرافی رسوم سلطنت (ساکنان اولیه جزایر بریتانیا در بیش از دو هزار سال پیش) ریشه دارد که معتقد بودند در این شب، درهای دنیا باز می‌شود و خدای جهان مردگان همراه با دیوها، ارواح و اجنه روی زمین می‌آید و راهبان سلت با لباس و کلاه و صدهای عجیب و ترسناک سعی می‌کردند موجودات ماورائی یادشده را بترسانند و فراری دهند! خلاصه آنکه مابازای هر کدام از رسوم هالووین از کدو گرفته تا چراغ، یک باور خرافی وجود دارد! این مراسم در طی زمان تبدیل شده به بهانه‌ای برای یک آیین شادمانی جمعی که در آن نه سر و دستی می‌شکند، نه چشمی از کاسه درمی‌آید و نه دست‌وپایی قطع می‌شود. مسئولان مربوطه و غیرمربوطه هم مجبور نیستند زحمت بکشند و جمله قصار صادر کنند و با نمایش شبانه‌روزی صحنه‌های هشدآرامیز و فجیع، زُهره جماعت را آب کنند و پای رفتگان و ماندگان را نیز وسط بکشند و کمپین «نه به هالووین» و «هالووین خرافی» و «بیابید این شب ۱۳ اکتبری شادی‌هایمان را با نشستن در خانه و تماشای تلویزیون بین هم تقسیم کنیم» گرامی دارند... به‌جای آن سعی کرده‌اند با مردم همراه شوند و این آیین شادمانی جمعی را به گونه‌ای مدیریت کنند که کمترین عواقب و حوادث را داشته باشد. اصلاً فکر می‌کنید چند درصد از جوانان شاد آن شب میدان سول از ترس دیوها و اجنه، کدو و لباس دست‌گرفته بودند و با صورت رنگ‌زده و شمع عجیب، در آیین شادمانی جمعی هالووین شرکت کرده بودند؟ فکرش هم خنده‌دار است! ...

سلام به فردا

روانی و جانی چهارشنبه‌سوری‌های همیشگی باشیم؟ آیا قرار است این فرهنگ و باور غلط در جامعه ما با صدای ترقه‌ها و نارنجک‌های دستی به صدا درآید؟ آیا باز هم قرار است چشم کودکی از دست برود و صورت نوجوانی بسوزد؟

به نظر می‌رسد برای کاهش میزان خطر و ایمن‌سازی زندگی در شهرها، نیازمند برداشتن قدم‌هایی جدی هستیم؛ اما هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این واقعیت شود که فرهنگ‌سازی میان مردم مهم‌ترین قدم است. پلاسکو هم می‌توانست با روندی پیشگیرانه از بدل‌شدن به یک فاجعه ملی به دور بماند. پس حالا زمان آن است که پیشگیرانه به چهارشنبه‌سوری فکر کنیم و نگذاریم باز مثل هر سال، شاهد جان‌ها و مال‌هایی باشیم که به خاطر یک باور غلط از یک رسم قدیمی، از بین بروند. جالب اینجاست که مردم هم بعد از حادثه پلاسکو، مطالباتی در سطح ملی برای ایمنی و سلامت خود در بسترشهر مطرح کرده‌اند که برگزاری چهارشنبه‌سوری آرام هم بخشی از آنهاست.

کمپین‌های فراوانی برای نه به چهارشنبه‌سوری، چهارشنبه‌سوری بدون ترقه، چهارشنبه‌سوری ایمن و... برگزار شده که شهادت می‌دهد ما مردم مسئول و دلسوزی داریم که پیشگیرانه به مسائل و ناهنجاری‌های اجتماعی نگاه می‌کنند. شاید در این میان، توجه به حاشیه شهرهای بزرگ و مناطق جنوبی شهر باید در اولویت قرار می‌گرفت؛ چراکه بر اساس آمارها، بخش عمده‌ای از حوادث چهارشنبه‌سوری در این مناطق به بار می‌نشیند. از سوی دیگر، امسال حتی خود مردم هم در خریدوفروش ترقه و ادوات حادثه‌ساز چهارشنبه‌سوری نگران و مضطرب‌اند. کاش این فرهنگ‌سازی پیشگیرانه بود؛ اما اکنون نیز خیلی دیر نیست. برای آت‌هایی که به احترام شهدای آتش‌نشان و مردم خسارت‌دیده پلاسکو سعی کرده‌اند فرهنگ چهارشنبه‌سوری آرام و ایمن را در سطح شهرها گسترش دهند، خسته نباشید می‌گویم و از آت‌هایی که هنوز به این گروه نپیوسته‌اند، درخواست دارم مردم این شهر را با خاطره‌خونی از چهارشنبه آخر سال، روانه سال ۹۶ کنند.

کارنامه

داغ پلاسکو نشانه‌ای از بحران مدیریت

آقای روحانی از تهران به مناطق محروم بروید



● **عبدالله ناصری**

برای بررسی کارنامه دولت آقای روحانی، پیش از هر چیز باید بپذیریم که برخی از فرصت‌های طلایی از دست‌رفته در این سه‌سال‌واندی، باعث شده که امروز جامعه و نخبگان، دامنه انتظارات خود را از قوه مجریه بالا نبرند، اما این به آن معنا نیست که می‌توانیم در عین امیدواری به پیروزی آقای روحانی در انتخابات سال ۹۶، نگران بازی طرف مقابل نباشیم.

مردم ما در حالی سال ۹۵ به پایان می‌برند که حادثه پلاسکو را تجربه کرده‌اند؛ حادثه‌ای که نشان داد، کشور نه‌تنها با مشکل مدیریت بحران مواجه است، بلکه در بسیاری از عرصه‌ها، بحران مدیریت هم دارد.

در چنین شرایطی، دولت باید بر اساس واقعیت‌های موجود، احساسات و توقعات جامعه را براساس یک عقلانیت تفاهمی که در آن تمام احاد جامعه مدنظر قرار دارند، اداره کند.

درست است که یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای دولت یازدهم در کارنامه کاری‌اش، مسئله حقوق شهروندی است، اما به نظر می‌رسد این موضوع بیش از آنکه رویکردی ملی داشته، برای نخبگان جامعه جذاب باشد. پیشنهادم به آقای روحانی این است که براساس برنامه کاری خود، اکنون پا را از تهران فراتر گذاشته و برای انتخابات به کارزار واقعی جامعه در سطوح مختلف آن و مخصوصاً مناطق محروم کشور وارد شوند. براساس تجربیاتی که دارم، وقتی کابینه و هیئت دولت از تهران بیرون می‌رود، با واقعیت‌های تازه‌ای از مشکلات



آن مواجه است، سخن بگوید. به اعتقاد من، روزهای پیش‌رو، می‌تواند نقاط درخشانی در کارنامه دولت یازدهم به‌همراه داشته باشد، اگر رئیس‌جمهور، به شناسایی واقعیت‌های ملموس جامعه و به قول معروف مشکلات کف خیابان بپردازد و شجاعانه برای رفع سریع آنها برنامه‌ریزی کند و درباره چالش‌های پیش‌رو در حل آنها با مردم سخن بگوید، مردم ما صداقت را در هر زمان و لحظه‌ای باور دارند و امیدوارند که رئیس‌جمهورشان برای حل مشکلات آنها - که شاید در موقعی خیرش به مرکز نرسد- به پیششان رفته و دست‌به‌کار شود.

پیشخوان

نفت و وزیر بهداشت و... انجام شده است. گزارشی از جاذبه‌های دیدنی ایران و گزارشی از اکران‌های نوروزی سینماها نیز در این ماهنامه ارائه شده است.



● تازه‌ترین شماره ماهنامه زنان امروز، ویژه‌نوروز به سردبیری شهلا شرکت منتشر شد. قطعاً گفت‌وگوهایی با محمد مجتهدی‌شستر ی با عنوان «ریاست مرد بر خانواده تأسیس قرآن نیست» و عبدالرحمن تجل‌رحیم با عنوان «زنتیک در نابرابری جنسی سهم دارد؟» می‌تواند جزء مطالب مهم و تأثیرگذار این ماهنامه باشد. در پرونده‌ای روند واگذاری فرزند به زنان مجرد و همچنین تجربه فرزندآوری زنان مجرد در جهان بررسی شده است. بررسی حقوقی امکان ریاست‌جمهوری زنان در ایران، زنان شگفتی‌ساز شوره‌های چهارم، منصوبه بازنشستگی پیش از موعد زنان و... از مطالب این شماره است. همچنین گفت‌وگو با مارین ون هولک، بازیگر و کارگردان هلندی، الهام فرمند، بازیکن فوتبال، زهرا آملی، نخستین عضو زن شورای شهر یاسوج و همچنین زنان مستقل عرصه ادبیات (فرزانه طاهری، گلی امامی و آذرذخت بهرامی) از دیگر مطالب این شماره است. شماره ۲۱ مجله زنان امروز، در ۱۶۶ صفحه و با قیمت ۱۲ هزار تومان منتشر شده است.



● در ویژه‌نامه «نوروزی ماهنامه «بیبا» علاوه بر مرور رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران و جهان در ساله که گذشت، پرونده ویژه نوروز را می‌خوانید. پرونده اسکار ۲۰۱۷، برگزیدگان این مراسم و مهم‌تر از همه گفت‌وویی با «اصغر غلامی» که برای دومین‌بار برنده جایزه اسکار شده است، از مطالب جذاب این شماره است. عکس‌ها و گزارش اختصاصی از فصل جدید سریال «شهرزاد» در لوکیشن منزل بزرگ آقا دیوانسالار با عنوان «عمارتی که دیگر پدرخوانده ندارد» و همچنین گفت‌وگوهایی هم با وزیر



● شبکه آفتاب برای نوروز یک رسم قدیمی را کنار گذاشته و به شیوه پیشین خودش که هر بار بر واژه‌ای متمرکز می‌شود و آن را در بخش‌های مختلف بررسی می‌کرد، این شماره به سراغ «باغ» رفته است و در کنار آن، در بخش سینمایی به سینمای اسکورسزی پرداخته شده است. خوانندگی‌ترین بخش این شماره شاید دو نامه منتشرنشده از بدالله رؤیایی و پرویز اسلامپور باشد که می‌تواند برای خواننده‌های پروپاقرص شعر، از گذشته بگوید. در این شماره گزارشی از خیابان‌گردی پیمان هوشمندزاده عکاس و نویسنده منتشر شده و بخش دیگری هم به سیمای باغ در آثار بورخس و پتر هانکه اختصاص داده شده است.



● طرح جلد متفاوت شماره ۵۹ ماهنامه «سینما» به برآیان دی پالما اختصاص پیدا کرده؛ کارگردان آمریکایی که با فیلم صورت‌زخمی برای بسیاری از علاقه‌مندان ایرانی‌اش نامی آشناست. این مجله از اسکار فرهادی هم غافل نشده، اما در کنار پرونده پروپیمان این نشریه برای فیلم «فروشنده»، نگاهی هم به زندگی و کار محمد قائد دارد که سال‌هاست او